



مخاطبان جدی‌تر و عمیق‌تر از انتظار

نسرین تخیری

در ده سال اخیر رمان مخاطبین بیشتری یافته است اما برای خوانندگان رمان کمتر فضای اظهارنظر وجود داشته است مخاطبین رمان چه می‌خوانند؟ چند تا رمان در سال می‌خوانند؟ رمانهای فارسی را ترجیح می‌دهند یا خارجی را؟ چه نوع رمانی را می‌پسندند؟ چه قهرمان رمانی بر آنها تاثیر گذاشته و پرسشهای دیگری از این دست بازتاب رمان در میان اقشار گوناگون کتاب‌خوان را نشان می‌دهد.

یکی از پرسشهای ما که قبل از انقلاب بیشتر رمان خوانده‌اید یا بعد از انقلاب این تصویر را به دست می‌دهد که تقریباً "همه" افراد ۳۰ سال به پایین بعد از انقلاب بیشتر رمان خوانده‌اند و ۳۰ سال به بالا پیش از انقلاب... و هر کس دلایل خاص خود را دارد. خانم ۴۵ ساله، خانه‌داری می‌گوید: "بعد از انقلاب بیشتر رمان خواندم چون قبلاً "سرگرمی‌های دیگری داشتم."

در میان مخاطبان رمان که بعد از انقلاب بیشتر شده‌اند رمان‌خوانهای حرفه‌ای هم هستند که در هر دو دوره بطور یکسان رمان خوانده‌اند و برخی نیز در دوره انقلاب از هر زمان دیگری بیشتر رمان خوانده‌اند. در میان کسانی که بطور تصادفی پرسشهای خود را با آنان در میان گذاشتیم کسانی هم هستند که به مطالعه رمان علاقه‌ای نداشته و مطالعه در موضوعات دیگر را با دلایل گوناگون ترجیح می‌دهند. جوانی که به مطالعات فلسفی علاقه‌مند است می‌گوید: "من فرصت خواندن رمان را ندارم، رمان بعد از صدها صفحه نتایجی را به من عرضه می‌کند و آنهم در قالبی احساسی که در فلسفه با یک صفحه و در قالبی منطقی به دست می‌آید."

هر کدام از ما چه مقدار وقت خود را به خواندن رمان اختصاص می‌دهیم و در سال چند رمان می‌خوانیم. پاسخها گوناگون است در بین دانشجویان می‌توان به میانگین ۲ تا ۱۰ رمان در سال رسید، البته کسانی هم هستند که تا ۳۰ رمان در سال می‌خوانند. این فاصله چشمگیر در میان اقشار دیگر نیز وجود دارد و البته به دلایل خاص و متنوع. حسین توری کارمند می‌گوید: "قبل از تاهل بیشتر از ۲۰ رمان در سال می‌خواندم اما بعد از آن هیچی." آقای گودرزی کتابفروش متناسب با گریابی و اعالت، رمان مطالعه می‌کند "ممکن است در سال ۵ رمان اصیل پیدا کنم همه را می‌خوانم و گاهی بیشتر یا کمتر ولی به هر حال به اقتضای کارم مجبورم ۳ یا ۴ رمان در ماه بخوانم."

تعداد رمانهای خوانده شده در سال در میان زنان خانه‌دار معمولاً "به ۲ تا ۳ رمان می‌رسد گرچه خانم خانه‌داری هم هست که ماهی یک رمان می‌خواند البته بیشتر رمانهای درباره تاریخ فرانسه چرا که "رمانهای معاصر و جدید اصلاً" توجه را جلب نمی‌کند. "همه" زنان خانه‌داری که رمان خوانند این سلیقه و برداشت را ندارند، خانم خانه‌داری که ۶ تا ۱۰ رمان در سال می‌خواند رمانهای تسخیرشدگان، از چشم غربی، صد سال تنهایی، سرخ و سیاه، مادام بواری، سرنوشت بشر را از رمانهای خارجی می‌داند که بر او اثرگذار بوده‌اند و از رمانهای ایرانی طوبی و معنای شب را می‌پسندد چون نویسنده آن یک زن است و حداقل یک چیز معمولی نوشته، قهرمان اصلی آن زن است و بخشی از سرنوشت زنهای جامعه و هم بخشی از تاریخ ما را روایت می‌کند.

از زنان خانه‌دار که بگذریم تلقی نسبت به رمان و رمان خواندن باز هم تنوع بیشتری دارد. دکتر کمال... رمان را نفی جدیدات می‌داند، "من سالی ۵۰ تا رمان می‌خوانم اما به نظر من شروع رمان خواندن نفی جدیدات است و گریز از وضع موجود در زمانی که آدمی به گریز نیاز دارد به همین دلیل من به صورت

بهرود یک رمان می‌خوانم شبانه روز رمان مطالعه می‌کردم و الان فقط شبها می‌خوانم. " در پاسخ به سؤال "چه رمانی و کدام یک از قهرمانان رمانها بیش از همه بر شما تاثیر گذاشتند و کدام رمان را بیشتر پسندیده‌اید" دامنه وسیعی از پاسخها را داشتیم که نام چند کتاب مشخص با دلایلی تقریباً "یکسان از طرف افراد متفاوت مطرح شد. ژان کریستف و جان شیفته دورمانی بودند که نامشان بارها و بارها به ویژه از طرف دانشجویان به میان آمد و البته به دلیل "شخصیت آنت و ژان کریستف و نزدیکی روحی و انسانی با آنها" نازی مهین بابایی دانشجویان شیفته را کتابی می‌داند که بر وی تاثیر گذاشته است چرا که "حالت و روحیات یک انسان را خوب بیان می‌کند و زبانی کاملاً "گویا برای احساسات درونی من است." مازیار وکیلی دانشجوی



۲۰ ساله پزشکی ژان کریستف را می‌پسندد " چون شخصیت پردازی که در این کتاب شده با روحیه من نزدیک است. " دانشجوی ۲۶ ساله رشته گرافیک جان شیفته را دوست دارد " چون شرایط زمانی و مکانی جان شیفته را واقعاً حس می‌کنم. این کتاب بر زندگی من اثر بسیار داشته است. " خانم خبرنگار ۳۸ ساله‌ای شخصیت آنت و نظرات وی در مورد جنگ و مردم را نزدیک به خود می‌بیند و خانم خانه‌داری جان شیفته را به دلیل افکار آنت و ثبات شخصیت او دوست دارد. نیره کثیری دبلمه بیکار فکری کند در جان شیفته و ژان کریستف "بیشتر به حس آدمی اهمیت داده شده و در احساسات آدمی کندوکار می‌شود. " او اولیویه در ژان کریستف، شولتزودایی گوتفرد را شخصیت‌های محبوب و موثر بر خود می‌داند " چون به حس من نزدیک هستند."

از نقل پاسخهای منفرد که بگذریم در کل ژان کریستف و جان شیفته بیشترین اثر را بر مخاطبان رمان گذاشته‌اند و البته اغلب به دلیل بازیابی فردیت کم شده‌شان دردنیای خیالی رمان، جان شیفته بیشتر در میان

دختران اثرگذار بوده است و آنت تسکینی بر شمایل بر سرکشی آنان در برابر وضعی که در آن قرار دارند.

کلیدر

از میان رمانهای ایرانی کلیدر بیشترین خواننده را داشته است و البته بیشتر به دلیل نثر بسیار زیبا و نزدیکی آن با فرهنگ بومی مردم کشور. "محمد رضا همتی دبیر ۴۶ ساله کلیدر را به دلیل نثر فوق العاده آن دوست دارد. رضا عباس پور کارمند ۲۶ ساله داستان، مضمون، شخصیت پردازی و گویایی کلیدر را می پسندد و خود را با شخصیتهای رمان دولت آبادی راحت حس می کند. سعید داوری فر دانشجوی ۲۱ ساله مبتدسی صنایع کلیدر را داستانی می داند که آنچه را اطلاع نداشتم در آن یافتم و البته با نثری قوی. کارمند و دانشجویی ۲۸ ساله می گوید: "کلیدر را با فرهنگ خودمان نزدیک می دانم. نیکو... خانه دار" از کلیدر خوشم آمده چون اتفاقات آن حالت واقعی داشته و مربوط به کشور خودمان است. "ژاله... خانه داری ۲۳ ساله از میان رمانهای ایرانی کلیدر و کارهای هدایت را می پسندد" چون در آنها گوشه ای از تاریخ خودمان را می بینم که با فرهنگ ما عجین است و برایم ملموس است. "وی ستاریکی از قهرمانان کلیدر را مردی می داند که برای زندگی وزنده ماندنش انگیزه داشت و با فکر حرکت می کند و بنابراین دوست داشتی است و همچنین زبور را به خاطر تعهد به احساساتش تحسین می کنم. "ویا حسابدار ۲۵ ساله ای کلیدر را بر زندگی خود موثر می بیند " چون با آن راحت ارتباط برقرار کرده ام."

از داستانهای فارسی نام "بوف کور" هدایت نیز در میان پاسخها به چشم می آید، یک دانشجوی باستان شناسی از بوف کور "به خاطر فاصله آن با دنیای رئالیستی و فضای دوبعدی آن" تعریف می کند. دانشجوی ۲۵ ساله، معماری بوف کور را دارای فضایی مالبخولیایی می داند که "مثل درون خود من است. "فرزانه... دانشجوی زبان انگلیسی بوف کور را "تنها روایتگر درست دنیای در هم شکسته" ما "معرفی می کند.

"و شوهر آهو خانم" نیز به "دلیل ملموس بودن و نزدیکی آن به زندگی واقعی مردم" کشورمان "مورد توجه مخاطبان رمان بوده است.

اما همه پاسخها چنین یکدست نیست، ناحید حسنی لیسانسیه تربیت بدنی دزبیره، کلبه عمومت و بربادرفته را می پسندد "چون زنان نقش اصلی را در این کتابها دارا هستند، و اسکارلت اوهارا در برباد رفته را به دلیل شخصیت جسور و تحسین می کنم. "کارشناس ۳۵ ساله مرکز تحقیقات، اتوبیوگرافی عقاید یک دلگ را جالب می داند " چون زندگی

روز و معاصر را به شکل واقعی بررسی می کند، واقعیت را توضیح می دهد ولی اشکالش این است که راه حلی ارائه نمی دهد. "و همچنین فاوست گوته را می پسندد " چون تضاد بین عینیت و ذهنیت را به خوبی می توان در آن دید. "حسین نوری کارمند ۳۴ ساله "چشمپایش بزرگ علوی را رمانی می داند که در دلد جامعه را رک مطرح کرده است."

آقای گودرزی کتابفروش ۳۵ ساله می گوید: "ضمن خواندن تریز مه آلود با دردهای اجتماعی که به صورت باز در این رمان مطرح شده آشنا می شویم و این رمان با بیان مسائل واقعی اجتماعی زمان خود نیرو و حس فداکاری و وطن پرستی را به ما عطا می کند. "محمد رضا همتی دبیر ۴۶ ساله از کلیدر خوشش آمده اما نفعه در زنجیر را رمانی می داند که بر او تاثیر گذاشته است " به دلیل تسلط نویسنده در استفاده از موسیقی در صحنه سازی داستان. "راموناخالوها دانشجوی آثار جرح اورول و مخصوصا " سال ۱۹۸۴ را کتابی می داند که با واقعیت تطبیق دارد. دانشجوی ۱۹ ساله ای که می گوید "با باگوریو" بالزاک تصویر جامعه را خیلی خوب به دست داده است درد سیاوش اسماعیل فصیح را نیز دارای همین ویژگی می داند. خانم ۲۴ ساله، خانه داری رمان " دارا و ندار" را می پسندد. " چون مسائل خانوادگی و فقر و پاشیده شدن زندگی را طرح کرده است."

بلندپه های بادگیر، بربادرفته، شوهر آهو خانم نظر شهره ناچینی دانشجوی زبان انگلیسی را جلب کرده است و رت باتلر در بربادرفته و هیت کلیف در "بلندپه های بادگیر" از نظر عاطفی بر او اثر گذاشته اند چرا که آنها شخصیتهای کاملی داشتند. "خانم خانه دار ۴۵ ساله ای "گذشت و فداکاری را در مادر ماکسیم گورکی و چشمپایش بزرگ علوی جستجو کرده " و از آن روی این دورمان را می پسندد. دانشجوی ۲۵ ساله، معماری شخصیت اول رمان عقاید یکدلگک هاینریش بل را بیش از همه حس کرده است. "فرزانه... دانشجوی زبان انگلیسی فضای داستانها و سبک مارکز را مخصوصا " درصد سال تنهایی خیلی دوست دارد و معتقد است " در آمریکای لاتین افسون معجزه های است و فرهنگ ناشناخته

و عجیبی دارد که مارکز بیشترین نقش را در روایت آن فضا داراست."

اما همه به رمانها چنین نگاه نمی کنند، دکتر سیمین... "آثار سیلونه را با پیام ضد فاشیستی و امواج انقلابی آن در دوره انقلاب مهیج می دانستم و "خزه" ترجمه احمد شاملو را که اثری ضد جنگ است می پسندم و داستانهای امین فقیری را چون حقایق عینی را به زبان زیبایی مطرح می کنند. پس از مجموعه داستانهای رسول پرویزی عاشق داستانهای ایرانی شدم مخصوصا "اگر بوی ایران قدیم را می داد و حال و هوای روستایی داشت."

با تغییر زمانه، نظرات نیز عوض می شود و حال دکتر سیمین... بر آن است که: "رمانهای تاریخی مثل "ماری آنتوانست" می خوانم، از مسائل و مشکلات بی شمار زندگی می گیرم و نمی خواهم وقت آزاد خود را نیز با مشکلات سر کنم. "اسماعیل... نیز می گوید: "اگر تاثیر را به معنای آن بگیریم که یک کتاب تحولی در زندگی آدمی ایجاد کرده باشد پاشنه آهنگین جک لندن و بشره دوستان ژنده پوش که حالا دیگر اسم نویسنده اش یادم نیست گرچه رمان به معنی هنری آن نیستند اما در سال ۴۱ یعنی ۱۴ سالگی ام چنین اثری را بر من داشته اند و سمت و سوی زندگی مرا کاملا تغییر دادند."

در بین مخاطبان رمان گل محمد، بلقیس، ستار، زیور قهرمانهای رمان کلیدر شخصیتهای موفق هستند که هر کدام از جنبه های خاص خودشان با خوانندگان رمان کلیدر ارتباط برقرار کرده و در زندگی خوانندگان رمان تاثیراتی بجای گذاشته اند. حسابدار ۲۵ ساله ای احساس می کند که "با گل محمد که بدانگونه معرفی شده آشنا هستم و با او احساس قربت می کنم، و مهربان از جای خالی سلوچ دولت آبادی را دوست دارم به خاطر رنجی که در زندگی کشید و در نبود مردش مسئولیت خانواده را به عهده گرفت و بهتر از یک مرد خانواده را اداره کرد. "خانم کارمند ۲۸ ساله ای "کلیدر را رمانی می داند که به فرهنگ خودمان نزدیک است و گل محمد را به دلیل تعصبات قومی و قبیله ای وی دوست دارد و قابل اطمینان می داند. "عاطفه کیانی دانشجو که میان رمانهای ایرانی "با مقایسه محیط





اجتماعی با آثار دولت‌بادی و منصور یاقوتی بین آنها و زندگی واقعی شباهتهای فراوانی می‌یابد و از این رو آنها را می‌پسندد و مهربان جای خالی سلوچ به خاطر عشق وجودی و ناشناخته عمیق او به سلوچ و درگیری وی با دنیایی از مشکلات که طبیعت خشن و انتقامجو بر سر راهش قرار داد متاثر شده است. "خانم ۴۵ ساله" خانه‌داری گل محمد را مردی انقلابی و بلقیس را زنی دهاتی که در عین حال بسیار خوددار و مدیر است توصیف می‌کند و آنها را دوست دارد.

در "سوف کور" هدایت "قصاب به عنوان زمینه" ناهنجاریهای کوچک مورد توجه کارمندی ۴۵ ساله است که آثار صادق هدایت را می‌خواند و فرزانه... دانشجو پیرمرد خنجر پزیری و زن لکانه را دو چیز در هم شکسته و برابر جهانی که همه چیز خود را از دست داده می‌داند..

چند نفری تضاد بین ذهنیت و عینیت را در انتخاب رمان و قهرمانی که مرزنگیشان تأثیر گذاشته مطرح می‌کنند، تضاد بین انسان سرگشته و نظام حاکم که در نهایت انسان را به سوی نیستی می‌کشد، انسانی که موانع را ندیده می‌گیرد و سرخواستهای خود پای می‌فشارد. عاطفه کیانی دانشجو قهرمان مورد نظرش را پیتروسیپا در "دانه" زیر برف "سیلونه می‌داند" به دلیل مشکلاتی که پیترو-سپینا آن درگیر است و تضادی که بین واقعیت‌های موجود و آرمانهای او وجود دارد و به دلیل تجربه تلخی که از سرگذرانید، باورهایی که فکر کرد در جهت تکامل و پیشرفت است و بعد دید که آن باورها سرابی بیش نبوده است. "فرزانه... دانشجو" مرشد را در مرشد و مارگاریتا انسان سرگشته‌ای می‌یابد که در این جهان به سوی چیزی حرکت می‌کند که در جهان فعلی ما محال است" و از این روی او را دوست دارد و همچنین ک را در محاکمه کافکا و پیرمرد خنجر پزیری و لکانه بوف کور هدایت را و توضیح می‌دهد که: "هر کدام از این چهار تن افرادی هستند که در مقابل همه چیز ایستاده‌اند در حالی که معلوم نیست پیروز می‌شوند یا نه؟ این پرسشی است که پاسخش را در حرکت آنها نمی‌یابیم و در نهایت نظام حاکم آنها را در هم می‌شکند.."

کارشناس ۳۵ ساله مرکز تحقیقات شخصیت اول رمان زیر ستاره پاییزی از کنوت هامسون را به عنوان شخصیت مطلوب خود نام می‌برد چون "آدم راحتی است و بدون ترس از تکفیر امور پیش پا افتاده و بی ارزش را زیر پای خود له می‌کند.. او داش آکل و حاجی آقای هدایت را جز برجسته‌ترین قهرمانهای رمان فارسی می‌داند" چون نویسنده آنها یک تضاد رئالیستی را مطرح کرده و شخصیت‌های جاودانه‌ای را در تاریخ کاشته که خیلی به کار می‌آیند" دانشجوی ۲۵ ساله باستان‌شناسی "حالت

بعد از دگردیسی سامسا در مسخ کافکا و مواجه شدن او با این دگردیسی و رفتار اطرافیان را با او پس از این امر جالب می‌داند. "قریبا مهین بایابی دانشجو شخصیت مردمان ابله را فردی می‌داند که "در نهایت بخاطر تضاد بین انسان و جامعه از جامعه دوری می‌گزیند و منزوی می‌شود." سوسن... خانه‌دار با عمو در داستان کوتاه همچون برنده غریب جمال میرصادقی همدردی می‌کند "چون تمام زندگی او مبارزه بوده اما در پایان به فاجعه رسید و این زندگی بسیاری از آدم‌های سیاسی این کشور است که به‌ایده‌آلهای خود پایبند مانده‌اند." و سرهنگ بوئندیا در صد سال تنهایی را دوست دارد "چون هیچ وقت از شکست نهراسیده است."

شاید تضادها، درگیریه‌ها، شکست‌ها، پیروزیها و آرمانهای این قهرمانان در رفتار کسانی که از آنها نام برده‌اند اثری داشته اما هستند کسانی که قهرمان ایده‌آلشان از میان چنین انسانهایی است اما خود معترفند که آنها را فقط در رمان می‌پسندند و حاضر نیستند از آنها پیروی کنند. محمدرضا همتی دبیر ۴۶ ساله شخصیت‌های اول رمانهای چگونه فولاد آبدیده شد و سرگذشت یک انسان واقعی را تحسین می‌کند "چون آنها درخواستهای خود پافشاری می‌کنند و به هر کاری دست می‌زنند تا به هدف برسند اما اینها اثر تعیین کننده‌ای بر من نداشته‌اند، من نمی‌خواهم مانند آنها رفتار کنم گرچه تحسین‌شان می‌کنم" معماری ۴۱ ساله که رمان را فقط یک اثر هنری می‌داند می‌گوید: "من در شخصیت رمانها قهرمان سازی نمی‌کنم و در نتیجه تأثیری مداوم و جوی بر زندگی من نمی‌تواند داشته باشند البته تأثیرهای آبی و آتیم از جنبه هنری بر من می‌گذارند مثلا "طوبا و شاید اسماعیل و مونس به عنوان شخصیت‌هایی درجه ۲ داستان در رمان طوبا و معنای شب خانم شهرنوش

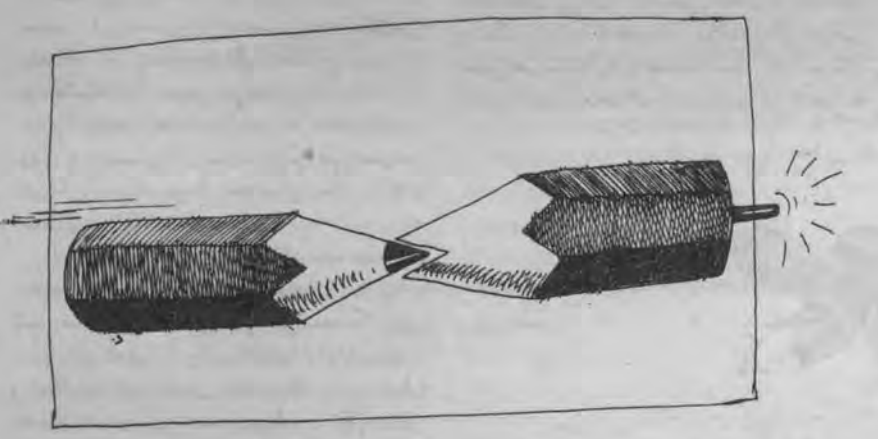
رتال جامع علوم انسانی

پارسی پور برای من شخصیت‌هایی جالبی بودند. " آقای تفضلی بازنشسته فقط قهرمانهای تاریخی رمانها مثل مازیار و بابک را قبول دارد " چون جنبه وطن پرستی و ایزان دوستی دارند. " دکتر آهو... مجذوب زندگی شخصی ناپلئون در رمانهای تاریخی فرانسه است " چون نمایشگر کسی است که پس از تغییر زمان از اوج قدرت و محبوبیت به خواری می‌افتد و در بدبختی به سر می‌برد. "

آیدین در "سفونی مردگان" معروفی شخصیت مورد نظر ویرایشگر کتابی است که ژرمنیال، سفونی مردگان و آخرین نسل برتر معروفی و آثار فاکتر، همینگوی، کافکا و کامو را چندین بار خوانده است و سفونی مردگان معروفی به دلیل بیان درد مشترک بر او تأثیر گذاشته است.

دکتر کمال کتابهای احمد محمود را کتابهایی می‌داند " که در آن بیان اجتماعی بی‌غرضی، بیان عاشقانه بی‌محابا و بیان خیانت بی‌پرده به تصویر درآمده است گرچه به همین دلیل شخصیت‌های داستان‌های او خیلی یکدست هستند.. "

اسماعیل... که پاشنه آهنین جک لندن و بشر دوستان ژنده پوش سمت و سوی زندگی را در ۱۴ سالگی تغییر داده است، اکنون در ۴۵ سالگی قهرمان مورد نظرش سرهنگ بوئندیا یای صد سال تنهایی است " می‌توانم بگویم از کدام قهرمان بیشتر خوشم می‌آید.. در رمانهای خارجی سرهنگ بوئندیا که شاید منفی‌ترین و برجاذبه‌ترین آدم رمان نو باشد و در بین زمان مارگریتا قهرمان مرشد و مارگریتا بولگاکف و اما گلدمن دکترتروف در رگتایم، گرچه زنی چنین بر خاک تصورناپذیر است اما می‌تواند زن آرمانی باشد آزاد و رها، و پیرمرد همینگوی در پیرمرد و دریا نیز از همین جمله است، و در رمانهای ایرانی استاد ماکان بزرگ



علوی و اگر خانم پارسی‌پور توانسته بود شخصیت کمال را خوب به‌روراند که حرامش کرده است."

بارها خواندن

نام این رمانها در پاسخ به سوال کدام رمان را بیش از بیکار خوانده‌اید بارها آمده است: بریادرفته، دون آرام، نام جونزهتری فیلدینگ، ژان کریستف، کلیدر، سرگذشت، بینوایان، کتابهای دولت‌آبادی، بوف‌کور، مسخ، جنگ و صلح، تبریز مه‌آلود، ستارخان، خرمن، جان شیفته، چیزها نوشته، یک نویسنده، اسپانیایی، دایی جان ناپلئون، خوشه‌های خشم، زنده‌بگور، دن‌کیشوت، ژرمینال، کنت‌مونت کریستو، بیهودی سرگردان، شوهر آهوخانم، عقاید یک دلقک، ۱۹۸۴، از زندگی، آشیانه، عقاب، چشمهای قهرمان باز است نوشته احسان طبری، همسایه‌ها، و نسل برتر معروفی، آثار فاکتر، کامو، کافکا و همینگوی، آثار هرمان هسه، باباگوریو، آنکارینا، بلندبهای یادگیر، غرور و تعصب، دزیره، عروس زندان، دانه، زیر برف سیلونه، دشمنان چخوف، کتابهای تاریخ فرانسه، چنگیزخان، ناپلئون بناپارت، بی‌سرپرستان خانم نصیری، صدسال تنهایی، غرش طوفان، سه‌تفنگ‌دار و شکست.

شبها و اوقات فراغت

بیشتر خوانندگان رمان در مواقع بیکاری شبها و اوقات فراغت رمان می‌خوانند، محدود افرادی هستند که پاسخی جز این داده‌اند مثل خانم خانه‌دار و نقاشی که بیشتر بیوگرافی هنرمندان را می‌خواند و اغلب بعد از استراحت و زمانی که فکرش آزاد است. برخی نیز می‌گویند شروع کردن رمان در زمان فراغت است ولی ادامه آن بستگی به نوع و تاثیر آن دارد.

رمان خارجی بهتر است

با دو پرسش "رمان خارجی را بیشتر می‌پسندید یا فارسی را" و "رمان نویسان ایرانی کدامشان با نویسندگان خارجی برابری می‌کنند" برآوردی از تمایل کتاب‌خوانان نسبت به رمانهای فارسی داشتیم و نظر آنها را نسبت به نویسندگان ایرانی جویا شدیم. اغلب رمان خارجی را به رمان فارسی ترجیح می‌دهند و دلایل گوناگونی برای برداشت خود دارند. یکی دایره انتخاب در رمان فارسی را کم دانسته و می‌گوید: "نویسنده‌های ایرانی کم‌کارند و در مواقعی که چیزی می‌نویسند از زمان خود عقب‌تر هستند و تاثیر واقعی خود را نمی‌گذارند". دکتر بهزاد... اغلب رمانهای فارسی را در سطح پاورقی‌های مجلات دست دوم خارجی دانسته و می‌گوید: "نویسندگان ایرانی چون از فضایی که در آن درگیر هستند خارج نمی‌شوند حداکثر یک رمان



است. "عاطفه کیانی دانشجوی کامپیوتر تاثیر رمان و پیام آن را مهم می‌داند و معتقد است "مسلمان" منصور یا قوتی که در فرهنگ ما بزرگ شده و درد کشیده است مسائل ما را بهتر منتقل و تصویر می‌کند البته اگر از سطح تکنیکی خاصی برخوردار باشد."

و در این میان عده‌ای هم رمان فارسی را به رمان خارجی ترجیح می‌دهند. چون به فرهنگ خودمان نزدیک است، مسائل جامعه خودمان را طرح کرده و گوشه‌ای از تاریخ کشورمان را تصویر می‌کند."

در مقایسه نویسندگان خارجی با رمان نویسان ایرانی نیز با همین نظرات برخورد می‌کنیم گرچه عده‌ای با اینکه رمان خارجی را به رمان فارسی ترجیح می‌دهند بعضی از نویسندگان ایرانی را در سطح نویسندگان خارجی می‌دانند. اسماعیل... که جز بوف کور و ملکوت بهرام صادقی و سنگ‌صبور چوبک و شازده احتجاب گلشیری رمانهای خارجی را به رمان فارسی ترجیح می‌دهد. هدایت، صادق چوبک در داستان کوتاه و سنگ‌صبور، گلشیری در شازده احتجاب و دولت‌آبادی در جای خالی، سلوچ را قابل مقایسه با رمان نویسان غربی می‌داند. جلال آل احمد، هدایت، چوبک، دولت‌آبادی در مقایسه با شولوخوف نویسندگانی هستند که نام آنها را به دفعات در پاسخها می‌بینیم، نام بزرگ علوی، گلشیری و گلستان را هم چندبار در میان پاسخها می‌بینیم، شهرنوش پارسی‌پور، ساعدی، طبری و چند تن دیگر هم نامشان

خوب دارند و آنهم ناشی از تجربه شخصی خودشان در زندگی است و چون حس کرده‌اند خوب می‌نویسند و گرنه دومین رمان هرکدام از آنها سطح نازلی پیدا می‌کند که آنها را در سطح پاورقی نویسان مجلات دست دوم خارجی پایین می‌آورد."

کارمند ۴۵ ساله‌ای معتقد است با توجه به فراهم شدن حد‌نهایی پیشرفت قالب رمان در اروپا پیدا است که آنها تحریر بیشتری داشته و از نظر سبک در مقام بالاتری قرار دارند. مهدی قطبی کارمند ۳۳ ساله رمان فارسی را در ابتدای راه می‌داند و رمان خارجی را می‌پسندد اما خواندن رمانهای فارسی را هم لازم می‌داند. فرزانه... دانشجوی زبان انگلیسی هدایت را اولین رمان نویسی می‌داند که رمان را به مفهوم غربی به ما شناسانده و گلستان و گلشیری را هم تا حدی قابل قیاس با رمان نویسان غربی می‌داند اما معتقد است "ما در رمان خیلی جوان هستیم و سبک و نحوه گفتن ما با اروپا و اصولاً غرب قابل قیاس نیست، آنها از نظر تکنیک به اوج رمان رسیدند و ما در رمان خام هستیم به همین دلیل شخصیتها در رمان فارسی کمرنگ هستند و به‌دل نمی‌نشینند..."

تعدادی از پاسخها گویای آن بود که رمان خارجی یا فارسی فرقی نمی‌کند مهم این است که نیاز جامعه را برآورد، آقای گودرزی کتابفروش تفکیک بین رمان خارجی و فارسی را به این شکل قبول ندارد و می‌گوید "هر کدام که نیاز ساختار جامعه را فراهم کند و واقعیات آنرا به ما نشان بدهد همان بهتر

رمانهای در دست انتشار

گذشته از رمانهایی که داستان‌نویسان ایرانی در دست نوشتن یا در دست انتشار دارند و شرح پاره‌ای از آنها در متن گفتگوها آمده است، شهرنوش پارسی پور خبر داده است که رمان عقل آبی رنگ را در دست انتشار دارد که انتشار دنیای مادر آن را منتشر خواهد کرد و علاوه بر آن مجموعه «به هم پیوسته زنان بدون مردان» را، همچنین علی محمد افغانی گزارش می‌دهد که یک رمان ۸۰۰ صفحه‌ای در دست دارد به نام بوتهار که کارش به پایان رسیده است. و احتمالاً تا تابستان آینده منتشر خواهد شد.

اما جز اینها، لابد نویسندگان ایرانی رمانهای بسیاری در دست نوشتن و انتشار دارند که ما از آن بی‌خبریم. از همه‌شان می‌خواهیم که خبر مربوط به کارهای در دست نوشتن یا در دست انتشار را در اختیار آدینه بگذارند تا در شماره‌های بعد منتشر کنیم. نکته دیگری که درخور یادآوری است اینکه در ماه اسفند که ما سرگرم ویژه‌نامه مان بودیم رمانهای زیادی منتشر شده‌اند که طبعاً در این ویژه‌نامه نیامده و مورد بحث قرار نگرفته‌اند. با خوب شدن وضع کاغذ در بخش کتاب نیز این انتظار می‌رود که رمانهای بسیاری که تاکنون بخت انتشار نداشته‌اند، در سال آینده منتشر شوند. با این امید که وضع کاغذ مطبوعات نیز به همت اداره کل مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در ماههای اخیر به سمت نوعی انتظام و برنامه‌ریزی پیش می‌رود، خوب شود و ما بتوانیم هر ۱۵ روز یک شماره منتشر کنیم و بیش از این به بحث کتاب و نشر در ایران بپردازیم.

اولین رمان زبان فارسی

برای یافتن اولین رمان زبان فارسی، آنطور که حسن عابدینی در صد سال داستان‌نویسی در ایران - که این روزها جلد دوم آن هم منتشر شده - گزارش می‌دهد، باید به سال ۱۲۵۳ خورشیدی بازگشت. سالی که ستارگان فریب‌خورده - حکایت یوسف‌شاه نوشته میرزا فتحعلی آخوندزاده را میرزا جعفر قراجه‌داغی به فارسی برگرداند. این رمان هرچند ترجمه است، اما آن را ایرانیان نوشته‌اند و ایرانیان برگردانده‌اند.

اولین رمان ترجمه به فارسی داستان دیگری دارد که آن را از آخرین شماره نشر دانش (که تا امروز دست ماست) نقل می‌کنیم. در مقاله‌ای که جمشید کیان‌فر زیر عنوان ترجمه در عهد قاجار در شماره آذر و دی ۶۸ نشر دانش نوشته چنین می‌خوانیم:

"محمدشاه هم چون به سلطنت رسید به شیوه پدر خود، عباس میرزا یک گروه پنج نفری از محصلان ایرانی را برای تحصیل به فرانسه فرستاد. حسینعلی آقا، میرزا رضا، میرزا یحیی، محمدعلی آقا و میرزا زکی که به سال ۱۲۶۴ ه. ق. به ایران بازگشتند. از این عده میرزا یحیی به سیاست پرداخت و از رجال سرشناس شد. از حسینعلی آقا در تشکیلات قشون نام برده شده اما اطلاع چندانی از زندگی او در دست نیست. محمد علی آقا معمولاً مترجم هیاتهای سفارتی بود. اما میرزا رضا و میرزا زکی به ترجمه و تالیف پرداختند.

میرزا رضا ابتدا به سمت مترجم در دارالفنون به کار پرداخت و مترجم درس معدن‌شناسی "مسیو چارنوطا" و درس طبیعی "مسیو فکتی" بود. از او ترجمه‌هایی به جا مانده است که از میان آنها "سفر در اطراف اطاق" را باید نام برد که قدیمی‌ترین رمان ترجمه شده به فارسی است. شاید برای تان



جالب باشد که از داستان ستارگان فریب‌خورده - حکایت یوسف‌شاه نوشته آخوندزاده هم با اطلاع شوید.

حسن عابدینی در جلد اول صد سال داستان‌نویسی در ایران درباره آن چنین آورده است:

منجمان شاه را از آفت کواکب و حادثه نحسی که در راه است برحذر می‌دارند. شاه مشاوران خود را برای چاره‌جویی فرامی‌خواند، ضمن صحبت‌های بی‌محتوا و نوکرصفانه آخوندزاده صحنه‌های گویایی از ویرانی ایران و فلاکت توده‌ها تحت حکومت استبدادی و جهل، ترسیم می‌کند. عاقبت، منجم پیری چاره را برکناری موقت شاه از سلطنت - در ایام نحوست - و اگذاری تاج و تخت به مجرمی محکوم به مرگ می‌داند. و این مجرم کسی نیست جز یوسف سراج، پیشه‌ور زحمتکشی که پیش از اینکه شخصیتی مربوط به دوران صفویه

باشد، "قهرمان دوران آخوندزاده" است و از بازگویی ستمهای حکومت مطلقه و آگاه کردن مردم، پروایی ندارد. اصلاحاتی که یوسف هنگام بر تخت نشستن انجام می‌دهد، همان خواسته‌های آخوندزاده و پیشروان سرمایه‌داری ایران است: یوسف برای اداره اموزان دانیان ملت "مجلس مشورتی" تشکیل می‌دهد، اما بالاخره با شورش درباریان و ثروتمندان برکنار می‌شود.

آخوندزاده، پرورده محیط پر تحرک تغلیس - تبعیدگاه دکا بریستها و متأثر از واقعگرایی انتقادی روسیه، اولین رمان ایرانی را می‌نویسد. به گفته آرمیت: "او پیشرو فن نمایشنامه‌نویسی و داستان‌پردازی اروپایی است در خطه آسیا... اهمیت میرزا فتحعلی در تقدم او بر دیگر نویسندگان خاور زمین نیست، درخبرگی او و تکنیک ماهرانه‌ای است که در نمایشنامه‌نویسی و داستان‌پردازی جدید به کار بسته است"

داستانهای کوتاه ایران و جهان

از داستانهای کوتاه نویسندگان معاصر ایران و نیز ترجمه چند داستان کوتاه از نویسندگان معاصر دنیا در کتابی با عنوان "داستانهای کوتاه ایران و جهان" برای نخستین بار منتشر شده است.

نویسندگان ایرانی این مجموعه عبارتند از: فرخنده آقائی، اصغر الهی، شهرنوش پارسی پور، امیرحسین چهل‌تن علی خدائی، علی‌اشرف درویشیان، نوشین سالاری، محمد رضا صفدری، صمدظاهری، هوشنگ عاشورزاده، اصغر عبداللهی، منوچهر کریم‌زاده و رضا نواب‌پور.

ترجمه داستانهای کوتاه نویسندگان خارجی نیز برای آشنائی با نمونه‌های گوناگون داستان کوتاه در دنیا و آنچه که در این زمینه در حال حاضر در کشورهای دیگر جهان جریان دارد، در این کتاب آمده است. داستانهای:

هاینریش بل، ویلیام فاکنر به ترجمه سمین دخت چهره‌گشا، جان چیور و آیزاک بشویس سینگر به ترجمه صدر تقی‌زاده، خولیو کورتا ساروگابریل گارسبا مارکر به ترجمه سمین دخت سید فتاح، زیگفرد لنتس به ترجمه محمود حسینی زاد، بورس ریابینن به ترجمه ناهید باقرزاده و آلبرتو مورایا به ترجمه مهدی سبحانی.

کتاب به‌گوش صدر تقی‌زاده و دکتر اصغر الهی از سوی انتشارات توس منتشر شده است.